

چهره‌های ماندگار سیروس غنی

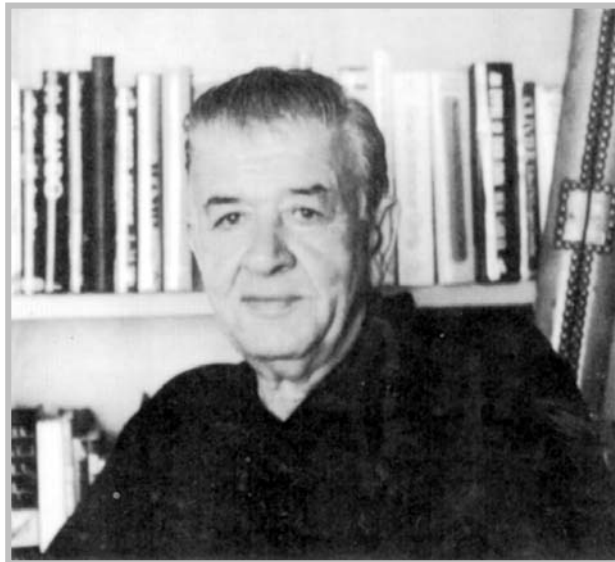
حسن امین 

حقوقدان و تاریخ پژوه

دانشگاه نیویورک، یعنی پس از پانزده سال اقامت در خارج، در پاییز سال ۱۹۵۸ میلادی برابر با ۱۳۳۷ شمسی، به طور دائم با همسر خود به ایران بازگشت.

سیروس غنی، پس از ورود به ایران، نخست به مدت یک سال در اداره‌ی سازمان برنامه و بودجه‌ی کشور استخدام شد و سپس در ۱۳۳۸ به‌عنوان مشاور حقوقی به استخدام بانک توسعه‌ی صنعتی در آمد و پس از چندی به ریاست اداره‌ی حقوقی آن بانک رسید. بعد از یازده سال، از کارمندی دولت استعفا کرد و در ۱۳۴۹ به همراه مهران توکلی، وکیل دادگستری، به کار مشاوره‌ی حقوقی و کالت دادگستری پرداخت.

سیروس غنی، در تهران، وارد جبهه‌ی ملی شده و با دکتر غلام‌حسین صدیقی، اللهیار صالح و دکتر حسین مهدوی (فارغ‌التحصیل حقوق از کمبریج)، همکاری و هم‌فکری و معاشرت و مصاحبت می‌داشت. او در عین حال، در نبود آزادی



رشته‌ی ادبیات انگلیسی از کالج وگنر موفق شد و به قصد تحصیل در دوره‌ی فوق‌لیسانس به نیویورک آمد. ولی در آنجا به راهنمایی دکتر ابوالبشر فرمانفرمایان، وارد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه نیویورک شد و در همین زمان در انجمن دانشجویان ایرانی مقیم امریکا - که مرکز آن در خیابان ۶۷ نیویورک بود - فعال شد و در نشریه‌ی این انجمن که «دانشجو» نام داشت، به‌عنوان سردبیر مسؤلیت پذیرفت.

سیروس غنی عاقبت در سال ۱۹۵۸ میلادی برابر با ۱۳۳۷ شمسی، از دانشگاه نیویورک در رشته‌ی حقوق فارغ‌التحصیل شد و در همان سال به کمک همسر امریکایی حقوقدان خود (خانم کارولاین غنی) نشریه‌ی انگلیسی در پنجاه صفحه در باب «بیگانگان در حقوق ایالات متحده با تکیه‌ی مخصوص بر مشکلات دانشجویان خارجی» به رشته‌ی تحریر درآورد که به‌عنوان نشریه‌ی مخصوص انجمن دانشجویان ایرانی منتشر گشت.

سیروس غنی پس از اخذ مدرک J.D (جی.دی: «دکتری حقوق قضایی»)، از

□ سیروس غنی، حقوقدان برجسته و تاریخ‌پژوه نامدار، تنها پسر زنده‌یاد دکتر قاسم غنی‌ست. وی در بیستم آبان ۱۳۰۸ (هشتم نوامبر ۱۹۲۹ میلادی) در شهر سبزوار متولد شد.

شش ساله‌ی آغارین عمر را در سبزوار و سپس در مشهد زیست و بالاخره پس از انتخاب دکتر غنی به نمایندگی مجلس از مشهد، در ۱۳۱۴ به همراه خانواده به تهران آمد و تحصیلات ابتدایی را در تهران گذراند. دکتر غنی پس از شش‌هفته‌ی سپهریور ۱۳۲۰، پسر بااستعدادش را در سن پانزده

سالگی (۱۳۲۳)، برای تحصیلات متوسطه و آمادگی برای ورود به دانشگاه به بیروت فرستاد. وی برحسب نقشه‌ی پدر، در کالج امریکایی بیروت برای تحصیلات دبیرستانی ثبت‌نام کرد، اما بیروت را موافق طبع نیافت و به فاصله‌ی کوتاهی از بیروت به انگلستان رفت و در انگلستان در دبیرستان میل‌فیلد Millfield واقع در سامرست Somerset ثبت‌نام کرد و دو سال بعد برای اختتام تحصیلات متوسطه و ورود به دانشگاه، به امریکا رفت. در امریکا نخست در مدرسه‌ی متوسطه‌ی چشر Cheshire Academy در ایالت کانکتی‌کات Connecticut وارد شد و به تحصیل در ادبیات انگلیسی پرداخت، در حالی که پدرش بیش‌تر مایل بود سیروس در پی حرفه‌ی پزشکی باشد.

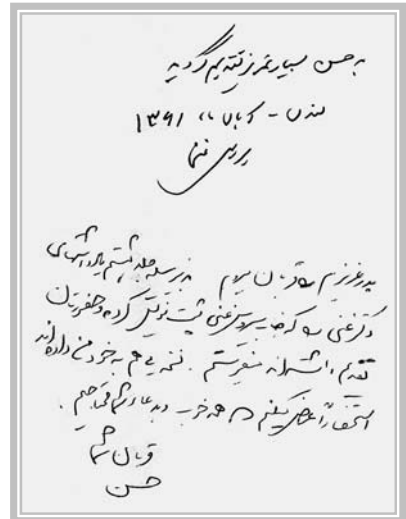
سیروس غنی، پس از ختم تحصیلات متوسطه، وارد کالج وگنر Wegner در ایالت نیویورک شد. در همین فاصله، دکتر غنی در فروردین ۱۳۳۱ برابر با مارس ۱۹۵۲ در امریکا فوت کرد.

سیروس غنی در ۱۳۳۳ شمسی برابر با ۱۹۵۴ میلادی، یعنی در سن بیست و پنج سالگی، به اخذ مدرک B.A. (کارشناسی) در

نامه‌های دکتر قاسم غنی

بکوشش

دکتر سیروس غنی و دکتر سید حسن امین



نمونه‌ی خط سیروس غنی و حسن امین در ۱۳۴۱

احزاب، در دوره‌های نیمه‌سیاسی دیگر نیز شرکت می‌کرد و بویژه با حسن علی منصور و امیرعباس هویدا و جمشید آموزگار و مهدی سمعی نزدیک بود. و یک‌بار در ۱۹۶۸ به سمت «مشاور مخصوص نخست‌وزیر در مسایل مربوط به ایالات متحده» به همراه امیرعباس هویدا به آمریکا سفر کرد. در این سفر بود که در دسامبر ۱۹۶۸، لیندون جانسون، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، در حالی که یک ماه پیش‌تر از دوره‌ی ریاست‌جمهوری‌اش باقی نمانده بود، بدون خبر قبلی به ضیافتی که سفارت ایران در واشنگتن به افتخار امیرعباس هویدا منعقد کرده بود، آمد، تا چهره به چهره شخصاً ترتیب یک دیدار خصوصی بین هنری کیسینجر (مشاور ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهوری آینده‌ی آمریکا) را با هویدا بدهد.

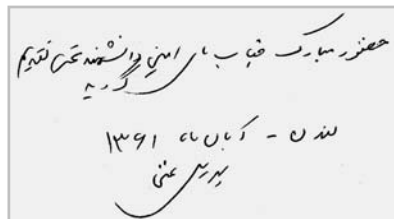
در مجلد بیستم از اسناد لانه‌ی جاسوسی، طی سندی که در آذر ۱۳۴۲ در باب «جامعه‌ی روشنفکران ایرانی: ترکیب، الگو و مشکلات آن» تنظیم شده است، سفارت آمریکا ضمن معرفی «دوره‌های» تهران می‌نویسد: «سیروس غنی (فرزند یک پزشک، دانشمند و دیپلمات برجسته)، شب‌های دوشنبه برای خودش دوره‌ی دارد. محفل او شامل جواد و حسن علی منصور و اعضای بانک صنعتی و معدنی می‌باشد. او از هر دو طرف خانواده‌ی خویش با چهره‌های برجسته‌ی مذهبی رابطه دارد. هرچند غنی از اعضای برجسته‌ی جبهه‌ی ملی‌ست، ولی اغلب به دوره‌هایی که به‌وسیله‌ی علی امینی

نخست‌وزیر ترتیب داده می‌شود، سر می‌زند.»

در همان سلسله اسناد (شماره‌ی هفدهم)، در سندی که مارتین هرتز، دیپلمات امریکایی، در شهریور ۱۳۴۶ تحت عنوان «آخرین وصیت‌نامه‌ی من در مورد رابطین» نوشته است، چنین آمده است:

«سیروس غنی یکی از سودمندترین و مولدترین رابطینی که ما در تهران داشته‌ایم و هم‌چنین یک دوست خوب می‌باشد، ولی بایستی نقاط کور او را نیز در نظر داشت. او از لحاظ این که در ارزش‌های ما سهم است و دانش عمیق و واقعاً دایره‌المعارفی و علاقه به ایالات متحده دارد، «طرفدار آمریکا» است، ولی او هم‌چنین یک ملی‌گرای لیبرال می‌باشد و اهمیتی نخواهد داد از این که ایالات متحده دست‌خوش تحقیر شود، نه‌تنها فقط در ویتنام، بلکه هم‌چنین در خاورمیانه، سیروس یک مکالمه‌گر واقعی‌ست در بهترین مفهوم این کلمه و دارای ذخیره‌ی از اطلاعات درباره‌ی ایران است. او هم‌چنین یک نوع مبادله‌گر اطلاعاتی‌ست و بدون شک آن را به دیگران منتقل می‌کند. بنابراین او از مرحله‌ی معنی‌بیش‌تر نمی‌تواند مورد اعتماد واقع شود. از سوی دیگر، او به‌سرعت از اشخاصی که «خط به من می‌دهند» خسته می‌شود. ما در این که در محدوده‌ی مرزهای معینی واقع شویم، دشواری نداشته‌ایم، ولی او چنان باهوش است که می‌تواند از چند قطعه اطلاعات به‌دست‌آمده از منابع مختلف، داستانی به هم بیافد.

سیروس بدون شک دارای شهامت اخلاقی‌ست، ولی اساساً یک ناظر بوده و در صحنه‌ی سیاسی یک واسطه است. روزی ممکن است برسد که او در شکل دادن یک ائتلاف ملی مؤثر واقع شود. او بدون شک



یادداشت سیروس غنی برای استاد سیدعلینقی امین: حضور مبارک جناب آقای امین دانشمند محترم تقدیم گردید. لندن - آبان ماه ۱۳۴۱ - سیروس غنی

همه‌کس را می‌شناسد و به‌عنوان یک مرد باحسن نیت مورد احترام است. او دارای قدرت حافظه‌ی فوق‌العاده‌ی است. بیش از هر کسی که من تاکنون شناخته‌ام.»^۵

نوشته‌ی بالا درباره‌ی «نقاط کور» سیروس غنی، از چشم یک دیپلمات / جاسوس امریکایی، به عقیده‌ی من برای او سند افتخار است که سیروس غنی را اولاً یک «ملی‌گرای لیبرال» می‌داند و ثانیاً می‌گوید که وی از «تحقیر آمریکا نه‌تنها در ویتنام بلکه در خاورمیانه» بدش نمی‌آید. ثالثاً، این که یک دیپلمات امریکایی به همکاران خود وصیت می‌کند که به سیروس غنی «اعتماد» نکنند، به این معناست که سیروس غنی نه طرفدار منافع آمریکا، بلکه خواستار منافع ملی ایران است. رابعاً، این که پیش‌بینی می‌کند که سیروس غنی ممکن است در یک برهه‌ی زمانی وسیله‌ی مؤثر برای «ائتلاف ملی» باشد، بهترین داوری در حق کسی‌ست که با آن که همه‌ی درها به روی او باز بود، هیچ‌گاه شغل رسمی اجرایی نپذیرفت و نیز خود را به کارهای تجاری و دلالی و کمیسیون‌گرفتن آلوده نکرد. اما مهم‌تر آن که در اوج انقلاب، سعی خود را در ایجاد «ائتلاف ملی» کرد و مخصوصاً به امریکایی‌ها مکرر توصیه کرد که شاه را مجبور کنند، دکتر غلام‌حسین صدیقی - و نه دکتر شاپور بختیار - را به نخست‌وزیری منصوب کند؛ چنان‌که پرویز راجی در خاطراتش به این اقدام سیروس غنی در لندن تصریح دارد و می‌نویسد که وی در ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸ / ۹ دی ۱۳۵۷، از سفارت ایران در لندن به هنری پرشت (رئیس امور ایران در وزارت خارجه‌ی آمریکا) تلفن کرده و چنین سفارشی کرده است.^۶ در همان شماره‌ی «اسناد لانه‌ی جاسوسی» در سندی دیگر مورخ آذر ۱۳۴۸ آمده است: «سیروس غنی که نزد سفارت بسیار مشهور است و علاقه‌ی عمیق و معلومات جامعی از سیاست آمریکا دارد، اگرچه فعلاً بسیار به «دستگاه» نزدیک می‌باشد، ولی سیروس هنوز خوب می‌داند که اوضاع سیاسی ایران در چه وضعی‌ست. اگر شما سعی کردید که آشنایی‌تان را بسط دهید، یادداشت‌های مارتین هرتز را در نظر داشته باشید که سیروس مایل است مسایل مهم و اساسی را بدانند، نه مسایل پیش‌پاافتاده و تکراری را.»^۷

خدمات ادبی

سیروس غنی اگرچه از جهت تحصیلی و حرفه‌ای در رشته‌ی حقوق قضایی کار کرده است، در زمینه‌های تاریخ معاصر، شرح حال رجال عصر قاجار و پهلوی و نیز کارشناسی کتاب و اسناد فارسی نیز متبحر است و صاحب اثر؛ آثار او عبارتند از:

۱- یادداشت‌های دکتر قاسم غنی

که آن‌ها را با حوصله و کوشش، در دوازده جلد به هزینه‌ی خود در لندن چاپ کرد و به‌رایگان به کتابخانه‌های دانشگاهی، مراکز ایران‌شناسی، بسیاری از اهل قلم و اندیشه یا دوستان و آشنایان داد. بعدها همین یادداشت‌ها با نظم و ترتیب تازه‌ی به‌وسیله‌ی انتشارات زوار در تهران در هشت مجلد به‌چاپ رسید.

۲- نامه‌های دکتر قاسم غنی که در

حقیقت جلد سیزدهم یادداشت‌های دکتر غنی‌ست و به‌کوشش سیروس غنی (و صاحب این قلم) در «انتشارات وحید به همت دکتر سیف‌الله وحیدنیا» در تهران حروف‌چینی و در لندن توسط چاپخانه‌ی پکا منتشر شد.

۳- کتابی به‌انگلیسی که آن را ایران و

غرب: کتاب‌شناسی انتقادی Iran and the West: A Critical Bibliography نام نهاد و فهرست کتاب‌های مفید بسیاری در زمینه‌ی ایران‌شناسی به زبان انگلیسی‌ست که در کتابخانه‌ی شخصی خود جمع‌آوری کرده بود.

۴- مشهورترین اثر سیروس غنی، کتاب

ایران: برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌هاست که سیروس غنی آن را براساس اسناد وزارت خارجه‌ی انگلیس به زبان انگلیسی تهیه و با عنوان Iran and the Rise of Reza Shah, From Qajar Collopse to Pahlavi Rule منتشر کرد. خلاصه‌ی این کتاب را از دو پاراگراف آغازین آن می‌توان دانست:

«سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۵، از جالب‌توجه‌ترین و پراهمیت‌ترین فصل‌های تاریخ قرن بیستم ایران است. این دوران با کودتایی باورنکردنی در نهایت شتاب‌زدگی به تمهید افسری انگلیسی آغاز شد که از کشور و مردم ما تقریباً هیچ اطلاعی نداشت. نظامیان بریتانیا کم‌تر چنین خودسر دست به سیاست‌یازیده بودند، تا چه رسد که بدون دستور صریح دولت متبوع خود، کودتا راه بیندازند. از این طرفه‌تر، نقش وزیرمختار

IRAN and the WEST

A Critical Bibliography

CYRUS GHANI

ایران
برآمدن رضاخان
برافتادن قاجار و نقش انگلیسیها
سیروس غنی
ترجمه حسن کامشاد



انگلستان در این کودتاست، این شخص از همان لحظه‌ی ورود به تهران، به ابتکار خویش، به کارهایی کاملاً برخلاف توصیه‌های وزارت خارجه‌ی انگلیس پرداخت، تا آن‌جا که سرانجام اعتماد وزیرخارجه‌ی بریتانیا را به کل از دست داد. کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و آمدن رضاخان، نتیجه‌ی مستقیم ادامه‌ی سیاست ناواقع‌گرای قرن نوزدهمی حکومت بریتانیا و گل‌سرسید آن قرارداد ۱۹۱۹ در ایران پس از جنگ جهانی اول بود، ایرانی‌که ملی‌گرایی تازه‌ی در آن عمیق ریشه دوانیده بود. کودتا، افسری گمنام را که هیچ‌گونه‌ی تجربه‌ی سیاسی قبلی نداشت، به قدرت

رساند. اما رضاخان چنان به‌سرعت آموخت و چنان به‌سرعت خود را با اوضاع و احوال وفق داد که دست ماکیاولی را از پشت بست. سیاستمدار تازه‌کار در عرض پنج سال، دودمانی را که بیش از ۱۳۰ سال بر ایران فرمان رانده بود، از پا درآورد و خود بر تخت سلطنت نشست. ده سال نخست پس از کودتا، دوره‌ی نوآوری و اقدامات جسورانه، امیدهای بزرگ و اطمینان‌فزاینده، احترام و اتکای به نفس بود. در سال‌های واپسین این دهه، از قرابین چنین برمی‌آمد که ایران کشوری مستقل و فارغ از سلطه‌ی خارجی شده است. با وجود نقش آشکار انگلستان در کودتا و موقعیت برتر آن کشور در ایران، رفتار رضاشاه با بریتانیا و با حکومت سایر قدرت‌ها، برپایه‌ی برابری بود.»

این کتاب که به همت حسن کامشاد به فارسی ترجمه و از سوی انتشارات نیلوفر در ۱۳۷۷ منتشر و بعد تجدیدچاپ شده است، در داخل و خارج کشور مورد توجه قرار گرفت و چندین نقد مهم بر آن نوشته شد.

۵ - آخرین تألیف سیروس غنی، کتاب

My Favourite Films یعنی فیلم‌های

دوست‌داشتنی من در تاریخ سینمای جهان است که به‌انگلیسی نوشته شده و امید است آن نیز به فارسی ترجمه شود.

۶ - چاپ یادداشت‌ها و حواشی دکتر

قاسم غنی بر دیوان حافظ که شرح چگونگی تصمیم به چاپ عکسی Facsimile آن به توصیه‌ی کارشناسانه‌ی دکتر احمد مهدوی دامغانی در شماره‌ی ۱۳ ماهنامه‌ی حافظ به تفصیل آمده. یادداشت‌های دکتر غنی بر حافظ براساس نسخه‌ی چاپ عکسی را چند سال بعد در ۱۳۶۶ باز هم به هزینه‌ی سیروس غنی، اسماعیل صارمی به شیوه‌ی الفبایی تدوین و تنظیم کرد و به‌چاپ حرفه‌ی رساند. ■

پی‌نوشت‌ها

۱- غنی، دکتر قاسم، یادداشت‌ها، به‌کوشش سیروس غنی، ج ۱۱، ص ۴۷۱.

۲- در امریکا عموماً کسانی که لیسانس حقوق می‌گیرند، قبلاً در رشته‌ی دیگری لیسانس دارند.

3- Caroline and Cyrus Ghani, The Alien and U.S. Laws with Particular Reference to the Foreign Students, NewYork, Iranian Students Association, 1958.

۴- اسناد لانه‌ی جاسوسی، شماره‌ی ۲۰، ص ۶۹.

۵- اسناد لانه‌ی جاسوسی: رابطین خوب امریکا، شماره‌ی ۱۷، ص ۱۶-۱۷.

۶- راجی، پرویز، خدمتگزار تخت طاووس، ترجمه‌ی دکتر حسین ابوترابیان، ص ۳۶۷.

۷- اسناد لانه‌ی جاسوسی، شماره‌ی ۱۷، ص ۶۶.